



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



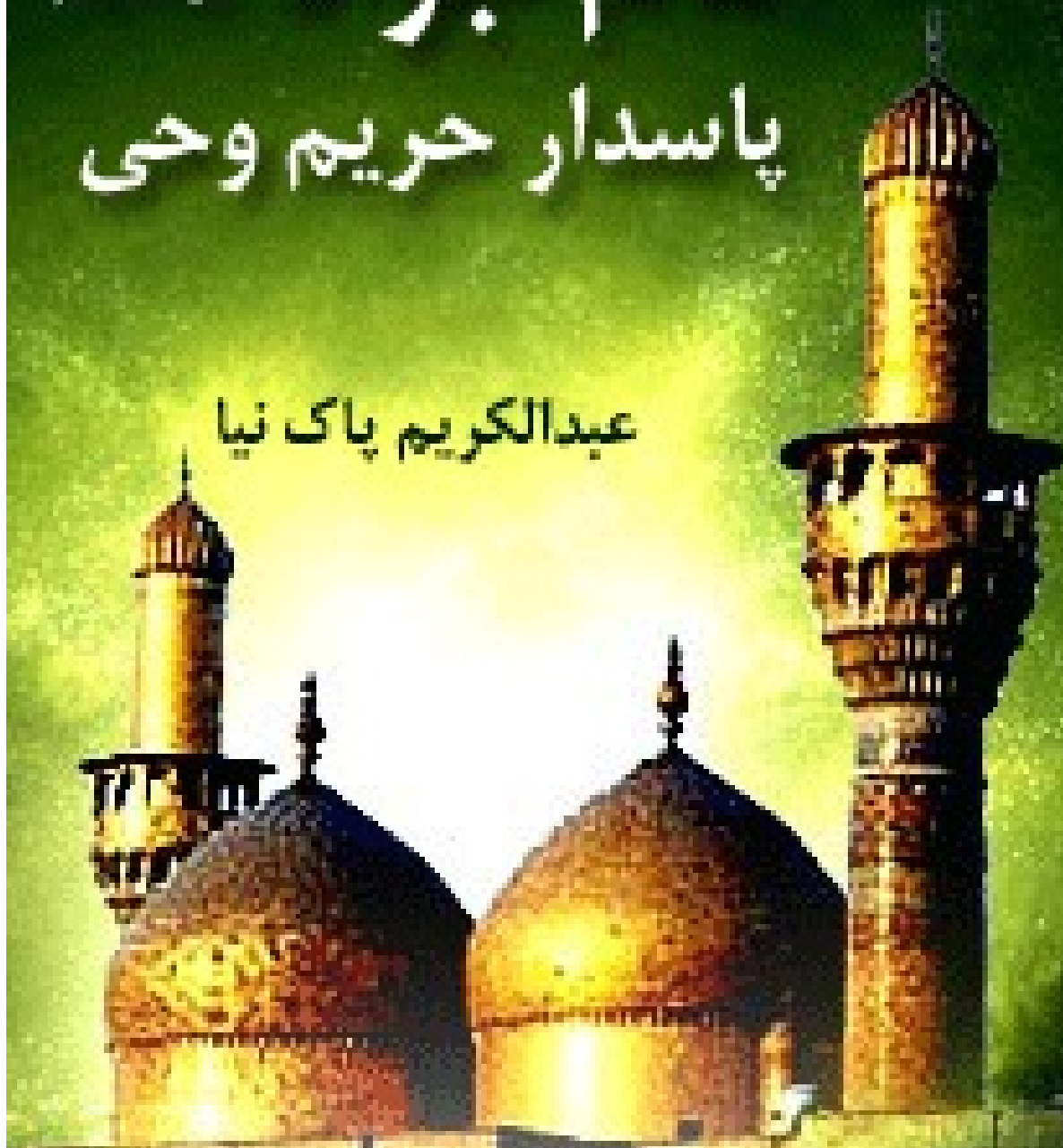
عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

امام جواد
علیہ السلام

پاسدار حریم وحی

عبدالکریم پاک نیا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام جواد علیه السلام پاسدار حریم وحی

نویسنده:

عبدالکریم پاک نیا

ناشر چاپی:

مبلغان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ امام جواد علیه‌السلام پاسدار حریم وحی
۶ مشخصات کتاب
۶ طلبعه
۶ شایسته‌ترین ترجمان قرآن
۷ ترویج آیات قرآن
۷ کودکی در مسند امامت
۸ سوگندهای قرآن
۸ هدایت گمراهان با آیات الهی
۹ پیامبران مرسل
۹ نامه‌های خداوند
۹ مقابله با تحریف کنندگان قرآن
۹ اندیشه‌های ناب در تفسیر قرآن
۱۱ پاورقی
۱۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام جواد علیه السلام پاسدار حریم وحی

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۲-۳۲۶۵۳

سرشناسه: پاک‌نیا، عبدالکریم

عنوان و نام پدیدآور: امام جواد علیه السلام پاسدار حریم وحی / پاک‌نیا، عبدالکریم

منشأ مقاله: ، مبلغان، ش ۴۵، (شهریور و مهر ۱۳۸۲): ص ۱۹ - ۳۰.

توصیفگر: محمد بن علی (ع)، امام نهم

توصیفگر: وحی

توصیفگر: تفسیر قرآن

طلیعه

حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) در دهم ماه رجب سال ۱۹۵. ق در مدینه منوره چشم به جهان گشود. پدر بزرگوارش حضرت رضا (علیه السلام) و مادر ارجمندش بانویی مصری تبار به نام سبیکه می‌باشد. ریحانه و خیزران از دیگر نامهای مادر امام جواد (علیه السلام) است. حضرت رضا (علیه السلام) در مورد منزلت فرزندش امام جواد (علیه السلام) و مادر مکرمه آن حضرت، به یارانش فرمود: من دارای پسری شده‌ام که همچون موسی (علیه السلام) شکافنده دریاها [ی علم] است و همانند عیسی (علیه السلام) مادری قدسیه و پاکیزه دارد. [۱]. پیشوای نهم در سن ۷ سالگی به امامت رسید و هفده سال رهبری شیعیان را به عهده داشت. دوران امامت حضرتش با دو نفر از خلفای ستم پیشه عباسی مأمون و معتصم مقارن بود. حضرت جواد (علیه السلام) در داشتن تمام صفات زیبای اخلاقی و انسانی سرآمد خوبان روزگار بود. پارسایی، علم و دانش و بخشندگی‌اش موجب شده بود که با القاب جواد، تقی، مرتضی و منتجب شناخته شود. اما در این میان لقب «ابن الرضا» بخاطر شکوه و جلالت امام رضا (علیه السلام) در میان مردم شهرت بیشتری داشت و حتی بعد از آن حضرت، مردم امام دهم و یازدهم (علیهما السلام) را نیز با همین لقب بیشتر می‌شناختند. امام رضا (علیه السلام) هنگام خطاب به یگانه فرزندش، بیشتر، از کنیه «ابو جعفر» - که نشانه‌ی احترام خاصی است - استفاده می‌کرد. [۲]. امام محمد تقی (علیه السلام) که در نوجوانی به مقام رفیع امامت نائل شده بود، در سن ۲۵ سالگی و در عنفوان جوانی به دستور معتصم عباسی و توسط همسر بی‌وفایش ام الفضل (دختر مامون) در شهر بغداد به شهادت رسید. حضرت جواد (علیه السلام) از همسر دیگرش، سمانه مغربیه، دارای چهار فرزند پسر، به نامهای: ابوالحسن امام علی النقی (علیه السلام)، ابو احمد موسی مبرقع، ابو احمد حسین و ابو موسی عمران و چهار فرزند دختر، به نامهای: فاطمه، خدیجه، ام کلثوم و حکیمه بود. [۳] حکیمه دختر امام جواد (علیه السلام) همان بانوی با فضیلت و مؤدب است که در هنگام تولد حضرت مهدی (علیه السلام) در منزل برادر زاده‌اش امام حسن عسکری (علیه السلام) حضور داشت و به نرجس خاتون یاری می‌کرد.

شایسته‌ترین ترجمان قرآن

امامان معصوم (علیهم السلام) که بعد از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) حجت خدا و جانشین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به شمار می‌روند شایسته‌ترین ترجمان وحی و آشناترین کس به تفسیر قرآن می‌باشند. بر این اساس اگر بخواهیم کلام وحی

را معنا کنیم، اول باید به سراغ امامان معصوم (علیهم السلام) برویم. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «این قرآن، خطوطی است که در میان جلد پنهان است، با زبان سخن نمی‌گوید و نیازمند مفسر و ترجمان است...» و سپس فرمودند: «فنحن احق الناس به [۴] امامان معصوم (علیهم السلام) برای [تفسیر و ترجمان] قرآن از همه مردم شایسته‌تریم.» [۴]. امام باقر (علیه السلام) در معنای آیه «و ما يعلم تأویله الا الله والراسخون فی العلم» [۵] فرمود: یعنی «معنی تمام قرآن را جز خداوند و کسانی که راسخ در علم هستند [۶] نمی‌دانند.» و امام صادق (علیه السلام) راسخان در علم را چنین معرفی کرد: «نحن الراسخون فی العلم و نحن نعلم تاویله [ما اهل بیت] راسخان در علم هستیم و ما تاویل قرآن را می‌دانیم.» پیشوای پنجم ضمن گفتار روشنگرانه‌ای که در مورد امتیازات اهل بیت (علیهم السلام) بیان فرموده است، به این نکته اشاره کرده، می‌فرماید: «نحن تراجمه وحی الله [۷] ما مترجمان وحی الهی هستیم.» امام صادق (علیه السلام) در معنای آیه: «بل هو آیات بینات فی صدور الذین اتوا العلم [۸]» [ولی این قرآن آیات روشنی است که در سینه دانشوران [و اهل علم] جای دارد.» فرمود: «مقصود از اهل علم که دانش تفسیر قرآن را در سینه‌ی خود جای داده‌اند، امامان معصوم (علیهم السلام) هستند.» [۹]. با توجه به نکات فوق در این نوشتار سعی شده است که برخی از نکته‌های تفسیری و مفاهیم قرآنی از سیره و سخن امام جواد (علیه السلام) استخراج شده و به مبلغان و مخاطبان گرامی عرضه شود، تا با پیروی از شیوه‌ی تبلیغی آن حضرت در عرضه‌ی مطالب بلند و حیانی، با برخی از معانی آیات الهی نیز آشنا شویم.

ترویج آیات قرآن

حضرت جواد (علیه السلام) بر این باور بود که آیات الهی باید در جامعه فراگیر شود و تمام مسلمانان در گفتار و رفتار و استدلال‌های روزمره خود از قرآن و معارف بلند آن بهره‌گیرند، به همین جهت سعی می‌کرد که در گفتگوها و معاشرت و برخورد با مردم از آیات قرآن استفاده کند. داستان زیر نمونه‌ای از این حقیقت است. قاسم بن محسن می‌گوید: در سفری که به مکه رفته بودم در راه به شخص ضعیف و مستحق برخورد کردم، از من چیزی خواست و من هم یک قرص نان به او صدقه دادم، سپس به راه خود ادامه دادم، در راه گردباد تندی وزید و عمامه‌ام را با خود برد. من هر چه تلاش کردم نفهمیدم که به کدام سمت برد. هنگام بازگشت در مدینه به حضور امام جواد (علیه السلام) رفتم، امام به من فرمود: ای قاسم! عمامه‌ات را در راه باد با خودش برد؟ گفتم: بلی. امام به خادم خود فرمود: برو عمامه قاسم را بیاور. و او عیناً عمامه خودم را برایم آورد. من با شگفتی تمام به حضرت عرضه داشتم: ای پسر رسول خدا! این عمامه چگونه بدست شما رسید. امام پاسخ داد: تو در راه به مستمندی صدقه دادی و خداوند احسان تو را پذیرفت و به شکرانه‌ی آن، عمامه‌ات را به تو برگرداند. حضرت جواد (علیه السلام) در ادامه سخن خویش این آیه را قرائت کرد: «ان الله لا یضیع اجر المحسنین» [۱۰] [خداوند متعال مطمئناً پاداش نیکوکاران را ضایع و تباه نمی‌سازد.] [۱۱].

کودکی در مسند امامت

روزی علی بن اسباط (یکی از شیعیان کوفی) در دوران کودکی امام جواد (علیه السلام) به حضور آن حضرت شرفیاب شد. او می‌گوید: من دقیقاً به قد و قامت آن بزرگوار خیره شده و قیافه و حرکات و سکناش را زیر نظر داشتم تا در موقع مراجعت، شکل و شمایل امام جواد (علیه السلام) را بهتر برای یارانم در مصر نقل کنم. درست در همین هنگام که با این اندیشه به او نگاه می‌کردم، آن حضرت نشست و رو به سوی من کرده و گفت: «ای علی بن اسباط! خداوند کاری را که در مسئله امامت کرده، همانند کاری است که در مسئله نبوت انجام داده است. گاهی در قرآن می‌فرماید: «و آتیناه الحکم صبیا» [۱۲] [ما به یحیی‌ای پیامبر (علیه السلام) در دوران کودکی فرمان [نبوت] دادیم.] و گاهی در مورد انسانها می‌فرماید: «حتی اذا بلغ اشد و بلغ اربعین سنه» [۱۳] [تا زمانی که به کمال قدرت و رشد عقلی برسد و به چهل سالگی بالغ گردد.] با توجه به این آیات همانگونه که ممکن است خداوند متعال

حکمت را به انسانی در کودکی بدهد، در قدرت اوست که آن را در چهل سالگی بدهد.» [۱۴] و به این ترتیب هر گونه شک و شبهه را در مورد امامتش از ذهن علی بن اسباط زائل نمود. برای توضیح بیشتر نقل روایتی از امام رضا (علیه السلام) در اینجا مناسب می‌نماید: روزی صفوان بن یحیی به حضرت رضا (علیه السلام) عرضه داشت: قبل از آنکه خداوند متعال فرزندت - حضرت ابوجعفر - را به شما عطا کند، می‌فرمودید که خداوند به من پسری خواهد بخشید. اینک خداوند متعال او را به شما ارزانی کرد و چشم ما به جمالش روشن شد. حال می‌پرسیم، - خدای نکرده - اگر خبری شد [و شما از دنیا رفتید!] بعد از شما ما به چه کسی رجوع کنیم؟ امام رضا (علیه السلام) به فرزندش حضرت جواد (علیه السلام) - که پیش رویش ایستاده بود - اشاره کرد. صفوان بن یحیی با کمال تعجب گفت: ایشان که کودکی سه ساله هستند؟! [چطور می‌شود یک کودک امام باشد؟] امام فرمودند: «و ما یضره من ذلک شیء قد قام عیسی بالحجۃ و هو ابن ثلاث سنین؛ کودک بودن او در امامتش مشکل ایجاد نمی‌کند، عیسی (علیه السلام) در سه سالگی به حجیت الهی قیام نموده [و به نبوت رسید].» [۱۵]. علی بن اسباط می‌گوید: روزی به امام جواد (علیه السلام) عرض کردم: ای مولای من! مردم به کوچکی سن شما ایراد می‌گیرند و به این جهت از پذیرفتن امامتتان سر باز می‌زنند. امام در پاسخ فرمودند: چرا آنان این نکته را بر من ایراد می‌گیرند؟ به خدا سوگند! خداوند متعال به پیامبرش (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی» [۱۶] بگو: این راه من است! من و هر کسی که پیرو من باشد، با بصیرت کامل، [همه مردم را] به سوی خدا دعوت می‌کنیم.» و غیر از علی (علیه السلام) در اول اسلام کسی از رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) پیروی نکرد. و آن حضرت در آن هنگام ۹ ساله بود و من هم ۹ سال دارم. [۱۷] [که با بصیرت کامل مردم را به سوی خدا هدایت می‌کنم؟]

سوگندهای قرآن

یکی از مهمترین عوامل پیشرفت جوامع، سوق دادن افراد آن به سوی علم و دانش و تفکر است. قرآن کریم با شیوه‌های مختلفی انسانها را به تفکر واداشته است. یکی از این شیوه‌ها، سوگندهای آن است. معمولاً امور مقدس و ارزشمند مورد قسم قرار می‌گیرند. خداوند متعال در موارد متعددی از کتاب خویش به پدیده‌های طبیعی جهان آفرینش قسم می‌خورد و شب و روز و ستاره و خورشید و ماه و امثال آن مورد سوگند خداوند متعال قرار گرفته‌اند. علی بن مهزیار درباره سوگندهای قرآن از محضر امام جواد (علیه السلام) نکته‌ای را نقل کرده است که قابل دقت و بررسی است. او روزی از پیشوای نهم سؤال کرد: سوگندهای قرآن همانند: «و اللیل اذا یغشی والنهار اذا تجلی والنجم اذا هوی» و نظائر اینها برای چه در قرآن مورد قسم قرار گرفته است؟ امام فرمود: خدای تعالی [برای بیداری انسان و تحریک اندیشه و عقل وی] می‌تواند به هر یک از مخلوقاتش که بخواهد سوگند یاد کند ولی مردم جز به ذات او، به چیز دیگری نباید سوگند یاد کنند. [۱۸].

هدایت گمراهان با آیات الهی

قاسم بن عبدالرحمن به مذهب زیدیه گرایش داشت، اما با شنیدن آیاتی از قرآن که امام جواد (علیه السلام) بر وی قرائت کرد، با حقیقت آشنا شده و به امامت امام جواد (علیه السلام) و سائر ائمه اعتقاد پیدا کرد. او در این مورد می‌گوید: من زمانی به مذهب زیدیه تمایل داشتم تا اینکه به بغداد سفر کردم و مدتی آنجا بودم، در همان ایام روزی در یکی از خیابانهای بغداد، دیدم مردم با شور و شوق وصف ناپذیری به یک نقطه معلومی متوجه هستند؛ بعضی می‌دوند، بعضی بالای بلندبها می‌روند، بعضی ایستاده و آنجا را تماشا می‌کنند. پرسیدم: چه خبر است؟ گفتند: ابن الرضا! (حضرت جواد فرزند امام رضا (علیه السلام)) می‌آید. گفتم: من هم باید او را ببینم. تا آنکه حضرت جواد (علیه السلام) سوار بر قاطر نمایان شد. من همچنان که به او خیره شده بودم، پیش خودم

گفتم: خداوند گروه امامیه را از رحمت خود دور کند، آنها اعتقاد دارند که پروردگار متعال، اطاعت این جوان را بر مردم واجب گردانیده است! همین که این اندیشه در ذهن من خطور کرد، آن حضرت راهش را به سوی من کج کرد و رو به من کرده، این آیه را قرائت کرد: «ابشرا منا واحدا نتبعه انا اذا لفی ظلال و سحر» [۱۹] [۱] قوم ثمود گفتند: آیا ما بشری از جنس خود را پیروی کنیم؟ در این صورت ما در گمراهی و جنون خواهیم بود. با شنیدن این آیه - که از دل من گواهی می‌داد - با خود اندیشیدم که: مثل اینکه او ساحر و پیشگو است که از اندیشه‌های نهانی من خبر می‌دهد؟ حضرت جواد (علیه السلام) دوباره مرا خطاب کرده و این آیه را تلاوت فرمود: «ألقى الذكر عليه من بيننا بل هو كذاب اشر» [۲۰] [۲] آیا از میان ما تنها بر او وحی نازل شده؟! نه، بلکه او آدم بسیار دروغگو و خودپسندی است. وقتی که متوجه شدم حضرت جواد (علیه السلام) واقعا از اندیشه‌های قلبی من خبر می‌دهد و این برای افراد عادی ممکن نیست، فهمیدم که او ولی خدا و امام مسلمین است. بعد از آن از مذهب زیدیه دست برداشته، اعتقاد به آن بزرگوار کامل شد و به امامت حضرتش اقرار کرده و اعتراف نمودم که او حجت خدا بر مردم است. [۲۱].

پیامبران مرسل

حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) درباره ی تفسیر ذالکفل که در آیه ۴۸ سوره ص مورد ستایش خداوند قرار گرفته می‌گوید: نامه‌ای به امام جواد (علیه السلام) نوشتم و در آن از نام «ذالکفل» و اینکه آیا او پیامبر مرسل بود یا نه؟ پرسش نمودم. امام جواد (علیه السلام) در پاسخ فرمود: خدای متعال یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر فرستاد، و سیصد و سیزده نفر از آنان مرسل بودند و «ذوالکفل» یکی از آن مرسلین است که بعد از سلیمان بن داود می‌زیست، و در میان مردم مانند داود (علیه السلام) قضاوت می‌کرد و جز برای خدای عزوجل خشمگین نمی‌شد و نام شریف او «عویدیا» بود. او همان است که خدای عزوجل در کتاب شریف خود از او نام برده و فرمود: «واذکر فی الكتاب اسمعیل والیسع و ذالکفل کل من الاخیار» [۲۲] [۳] و در این کتاب به یاد آر «اسماعیل» و «یسع» و «ذوالکفل» را که همه از نیکان بودند.

نامه‌های خداوند

ابو هاشم جعفری از امام جواد (علیه السلام) سؤال کرد که معنای واحد چیست؟ حضرت پاسخ داد: اجماع و اتفاق زبانهای مردم به یگانگی و وحدانیت خداوند متعال می‌باشد، چون خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و لئن سالتهم من خلقهم ليقولن الله» [۲۳] [۴] و اگر از آنان پرسشی چه کسی آنانرا آفریده است، قطعاً همه آنان خواهند گفت: خدا. [۲۴]. وی همچنین معنای صمد را - که در سوره توحید آمده است - از امام جواد (علیه السلام) چنین نقل می‌کند: «صمد یعنی بزرگی که تمام موجودات عالم در نیازهای کوچک و بزرگ خود به او مراجعه کرده و محتاج اویند.» [۲۵].

مقابله با تحریف کنندگان قرآن

احمد بن محمد بن سیاری [۲۶] حدود صد و هشتاد و هشت روایت در مورد تحریف قرآن نقل کرده است. وی که فردی غیرقابل اعتماد و در نقل احادیث ضعیف و کذاب می‌باشد مورد قبح امام جواد (علیه السلام) قرار گرفت. آن حضرت احمد سیاری را - که در مورد امامت دچار غلو شده بود و احادیثی را در مورد تحریف قرآن جعل می‌کرد - در نامه‌های خود تکذیب نموده و ادعاهای او را باطل و بی اساس خواند. [۲۷].

اندیشه‌های ناب در تفسیر قرآن

امام جواد (علیه السلام) به عنوان پاسدار حریم وحی از تفسیرهای نابجا و غیر عقلانی آیات قرآن جلوگیری کرده و علماء و دانشمندان را به سوی فهم صحیح آیات راهنمایی می‌کرد. در اینجا به دو مورد اشاره می‌کنیم: ۱. روزی در مجلس معتصم، برخی از دانشمندان به آیه‌ای استناد کرده و یک حکم شرعی صادر نمودند. امام جواد (علیه السلام) که در آن جلسه حضور داشت خطای آنان را گوشزد نموده و تفسیر صحیح را برای حاضرین ارائه نمود. محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی در تفسیر خود ماجرای آن مجلس را چنین آورده است: در زمان معتصم عباسی، عوامل خلیفه عده‌ای دزد را - که راههای عمومی در بین شهرها را برای مسافرین و کاروانهای حج ناامن کرده بودند - دستگیر کرده و از مرکز خلافت در مورد چگونگی مجازات آنان خواستار دستور بودند. خلیفه در مورد این حادثه حساس، مجلس مشورتی تشکیل داده و از دانشمندان عصر، کیفیت اجرای حد شرعی را در مورد آنان خواستار شد. آنان گفتند: قرآن در این مورد بهترین راهکار است، آنجا که می‌فرماید: «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض» [۲۸] کیفر کسانی که با خدا و رسول او به جنگ و محاربه بر می‌خیزند و در روی زمین در اشاعه فساد تلاش می‌کنند، این است که: اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا دست و پای آنان به عکس یکدیگر قطع شود و یا اینکه از سرزمین خود تبعید گردند. آنان به خلیفه پیشنهاد کردند طبق این آیه، یکی از کیفرهای فوق را در مورد تبهکاران انتخاب کند. معتصم عباسی در همان جلسه از امام جواد (علیه السلام) نیز نظر خواست. آن حضرت اول از اظهار نظر خودداری کرد، اما وقتی که با اصرار خلیفه مواجه شد، نظر خود را چنین اعلام کرد: اینان در استدلال به آیه خطا کردند. استنباط حکم شرعی از این آیه دقت بیشتری می‌طلبد و باید تمام جوانب مسئله در نظر گرفته شود و نسبت به جرمهای مختلف کیفرها فرق می‌کند زیرا این مسئله صورتهای مختلف و احکام جداگانه دارد: ۱. اگر این راهزنان فقط راه را ناامن کرده‌اند نه کسی را کشته و نه مال دیگری را به غارت برده‌اند، مجازات آنان فقط حبس است و این همان معنای نفی از ارض است. ۲. اگر راه را ناامن کرده و افراد بی‌گناهی را کشته‌اند، اما به مال دیگران تجاوز نکرده‌اند، مجازات آنان اعدام است. ۳. اگر امنیت را از راههای عمومی سلب کرده، انسانهای بی‌گناه را کشته و مال مردم را نیز به غارت برده‌اند، کیفر آنان باید سخت‌تر باشد یعنی اول دست و پایشان را به عکس همدیگر قطع می‌کنند، پس به دار مجازات آویخته می‌گردند. معتصم این نظریه را پسندیده و به عامل خود دستور داد، طبق نظر امام جواد (علیه السلام) عمل کند. [۲۹]. ۲. زرقان، یکی از دوستان صمیمی احمد بن ابی داود، قاضی بغداد بود. او می‌گوید: روزی دوستم احمد را دیدم که از مجلس معتصم - هشتمین خلیفه عباسی - می‌آید اما خیلی افسرده و ناراحت است. گفتم: چرا این قدر ناراحت و افسرده‌ای؟ پاسخ داد: امروز در مجلس خلیفه، ابو جعفر ابن الرضا (علیه السلام) چنان مرا عاجز و درمانده کرد که آرزو کردم، ای کاش بیست سال پیش از این مرده بودم و مثل چنین روزی را نمی‌دیدم!! گفتم: مگر چه شده؟ گفت: امروز در مجلس خلیفه نشسته بودیم، شخصی را به اتهام دزدی پیش خلیفه آوردند و او به سرقت اعتراف کرد. در این حال، معتصم به دانشمندان و فقهای مجلس رو کرده و گفت: چگونگی اجرای حد الهی بر این دزد را بیان کنید! دست او را چطور قطع کنیم؟ من گفتم: دست دزد را باید از میچ قطع کرد. خلیفه پرسید، به چه دلیل؟ گفتم: به دلیل آنکه دست، انگشتان و کف تا میچ را شامل می‌شود و خداوند در آیه تیمم فرموده: «فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم منه» [۲] با خاک پاک تیمم کنید و [از آن، بر صورت [پیشانی] و دستها [تا میچ] بکشید. بسیاری از علماء در این نظریه با من موافقت کرده و آن را تایید نمودند. اما عده‌ای دیگر گفتند: باید دست را از آرنج برید. خلیفه پرسید: به چه دلیل؟ گفتند: به دلیل آیه وضو که می‌فرماید: «فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق» [۲] هنگام اقامه نماز [صورت و دستها را تا آرنج بشوید. خداوند متعال حدود دست را در این آیه تا آرنج معین کرده است. برخی نیز فتوا دادند که: باید از شانه، دست را قطع کرد و استدلال می‌کردند که دست از انگشتان تا شانه را شامل می‌شود. خلیفه با مشاهده اختلاف آراء در میان فقها متحیر شده و به محمد بن علی (علیهما السلام) رو کرده و گفت: ای ابا جعفر! در این موضوع شما چه می‌گویید! او پاسخ داد: علماء گفتارهای خود را

بیان کردند و شما شنیدید، مرا از بازگو کردن نظریه‌ام معاف بدار! خلیفه گفت: شما را به خدا سوگند نظر خود را در این موضوع بیان کنید. حضرت جواد (علیه السلام) فرمودند: اکنون که قسم دادی، به ناچار نظر خود را می‌گویم: این حدود که علمای مجلس تعیین کردند صحیح نیست، بلکه باید چهار انگشت او، بدون انگشت ابهام، بریده شود. خلیفه گفت: دلیل شما برای این مدعا چیست؟ محمد بن علی (علیهما السلام) پاسخ داد: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده است: «السجود علی سبعة اعضاء: الوجه والیدین و الرکتین والرجلین سجده با هفت عضو انجام می‌شود: پیشانی، دو [کف] دست، دو زانو و دو [انگشت ابهام] پا.» ای خلیفه! هرگاه دست را از میچ، یا از مرفق جدا کنند، دیگر دستی برای سجده باقی نمی‌ماند، در صورتیکه خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «و ان المساجد لله ﴿۶﴾ مواضع سجده مخصوص خداوند است.» و هر چه برای خدا باشد بریده نمی‌شود. معتصم از این استدلال قرآنی شگفت زده شد و آن را تصدیق نمود. آنگاه دستور داد انگشتان دزد را طبق نظر محمد بن علی (علیهما السلام) بریدند. [۳۰]. زرقان در ادامه سخن خود می‌گوید: ابن ابی داود از آن روز به بعد سخت مضطرب و پریشان احوال بود و با خود می‌گفت: چرا نظریه او - که قاضی مخصوص خلیفه است - پذیرفته نشد، اما فتوای یک جوان پذیرفته شد و او از شدت حسد بر خود می‌پیچید، تا اینکه بعد از سه روز پیش معتصم رفته و چنین گفت: نصیحت و خیرخواهی امیرالمؤمنین بر من واجب است و من می‌ترسم اگر این سخن را نگفته باشم، در روز قیامت در آتش جهنم بسوزم. پرسید: چه می‌خواهی بگویی؟! ابن ابی داود گفت: وقتی شما مجلسی را مرکب از علماء و فقها تشکیل می‌دهید، تا امر مهمی از امور دینی مطرح شود و در آن مجلس وزراء، امراء، فرماندهان نظامی، صاحب منصبان کشور، دربانان و خدمتگزاران حضور دارند، گفتگوها و مذاکرات این مجلس را مردم در خارج می‌شنوند و به همه جا پخش می‌شود، با این حال شما در چنین جلسه با شکوهی رأی فقها را رد کرده و گفته‌ی یک مرد جوانی را می‌پذیرید که عده زیادی به امامت او قائل هستند و آنان او را به مقام خلافت شایسته‌تر می‌دانند، این عمل شما موجب می‌شود که جایگاه محمد بن علی (علیهما السلام) در میان مردم تقویت شده و حکومت شما تضعیف شود! هنگامی که خلیفه عباسی سخنان کینه توزانه این قاضی حسود را شنید، رنگش تغییر یافت و به او گفت: خدای متعال به تو جزای خیر دهد که مرا راهنمایی کرده و آگاه ساختی. سخن چینی ابن ابی داود آنچنان خلیفه را دگرگون کرده و افکارش را پریشان ساخت که به فاصله چند روز امام جواد (علیه السلام) را مسموم کرده و به شهادت رساند. [۳۱].

پاورقی

- [۱] بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۵.
- [۲] گفتنی است که امام جواد (علیه السلام) پسری به نام جعفر نداشت تا مکنی به ابوجعفر باشد، اما از آنجایی که آن حضرت شباهت زیادی به جدش امام باقر (علیه السلام) داشت به ابوجعفر ثانی مشهور گردید.
- [۳] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۵۰.
- [۴] نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵.
- [۵] آل عمران/۷.
- [۶] تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۱۸.
- [۷] کافی، ج ۱، ص ۱۹۲.
- [۸] عنکبوت/۴۹.
- [۹] تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۰.
- [۱۰] توبه/۱۲۰.

[۱۱] الخرائج، ج ۱، ص ۳۷۷؛ كشف الغمه، ج ۲، ص ۳۶۷.

[۱۲] مریم/۱۲.

[۱۳] احقاف/۱۵.

[۱۴] کافی، مولد ابی جعفر محمد بن علی الثانی، حدیث ۳.

[۱۵] المیزان، ج ۱۴، ص ۵۵.

[۱۶] یوسف/۱۰۸.

[۱۷] تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۵۸.

[۱۸] المیزان، ج ۲۰، ص ۳۰۷.

[۱۹] قمر/۲۴.

[۲۰] همان/۲۵.

[۲۱] كشف الغمه، ج ۳، ص ۲۱۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۲۶.

[۲۲] المیزان، ج ۱۷، ص ۲۱۶، ذیل آیه ۴۸ سوره ص.

[۲۳] زخرف/۸۷.

[۲۴] المیزان، ج ۱۸، ص ۱۲۸.

[۲۵] المیزان، ذیل سوره توحید.

[۲۶] نجاشی در مورد وی می‌نویسد: وی در زمان امام عسکری (علیه السلام) از نویسندگان آل طاهر بود. او دارای اعتقادات فاسد و در نقل حدیث ضعیف می‌باشد. (رجال نجاشی، ص ۸۰). شیخ طوسی نیز احمد سیاری را در کتاب رجال خود، بدون اینکه تأیید یا توثیق نماید، در ردیف راویان امام هادی و امام عسکری (علیهم السلام) به شمار آورده است. (رجال الشیخ، ص ۳۸۴ و ۳۹۷). اما در کتاب فهرست خویش او را شدیداً تخطئه و تضعیف کرده و به اعتقادات نادرست وی اشاره نموده است. (فهرست شیخ طوسی، ص ۲۳).

[۲۷] معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۷۳.

[۲۸] مائده/۳۳.

[۲۹] تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵.

[۳۰] وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۲۵۳.

[۳۱] تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۹؛ جلوه‌هایی از نور قرآن، ص ۱۳۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵)(۰۳۱۱)



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

